

فصلنامه پژوهش های حقوقی قانون یار

License Number: 80025

Article Cod: W505019

ISSN-E: 6452-2588

قواعد و احکام حاکم در راستای زندان و زندانی

در حقوق و مذاهب اسلامی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۳/۱۰)

محمد یاسین فلاح

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه پیام نور استان لرستان (مرکز خرم آباد)

چکیده

هدف از این پژوهش، بیان دیدگاه ها و تطبیق موارد فوق با همدیگر و نتایج حاصله از آن می باشد. روش پژوهش کتابخانه ای است؛ که در واقع به شیوه اسنادی- تاریخی به تحلیل مسئله می پردازد. نتایج بدست آمده از تحقیق نشان می دهد که زندان در دوره اسلامی، به عنوان یک امر مشروع جهت امنیت و آرامش فرد و جامعه، احترام به شخصیت حقیقی و حقوقی انسان ها، حفظ کرامت انسان پذیرفته شده که در دوران های مختلف حکومت ها این مشروعیت گاهی به عنوان تنبیه افراد خلاف کار و گاهی همراهی برای اصلاح و تربیت مجرمان تلقی شده است. در بین مذاهب اسلامی در ارتباط با احکام و حقوق زندانی تفاوت و تشابه هایی وجود دارد. امروزه در حقوق ایران از سوی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در جهت پیشبرد اهداف عالیه اسلام همان روش زندان در صدر اسلام و در حکومت امام علی (ع) که مبتنی بر اصلاح و تربیت مجرمان بود گام های مهمی برداشته شده است که مهم ترین آنها تلاش در جهت تأمین حقوق زندانی و خانواده آن و همچنین اصلاح و تربیت مجرمان، جایگزین های مجازات حبس و بازگشت مجدد آن به جامعه و شروع زندگی عادی می باشد.

واژگان کلیدی: زندان، جرم، حبس، سلب آزادی



مقدمه

این پژوهش به «بررسی تطبیقی احکام زندان و زندانی در حقوق و مذاهب اسلامی» می پردازد. زندان مقوله ای است که با جرم و بزه و انحراف (از قوانین و عرفیات و اخلاقیات) در جامعه مرتبط می باشد. در طول تاریخ انسان همواره کسانی بوده اند که برخلاف قوانین و مقررات جامعه حرکت کرده اند و سیستم های حکومتی جوامع نیز برای جلوگیری از به انحراف کشیده شدن جامعه و حمایت از قوانین و اخلاقیات آن مجازات هایی را برای چنین افرادی در نظر گرفته اند، زندان یکی از این راهها و ابزارها که از یک طرف برای تنبیه و مجازات و از طرف دیگر برای برگرداندن افراد مجرم به زندگی عادی در جامعه است. دیدگاههای مختلفی در مورد مجازات زندان برای مجرمان وجود دارند که برخی بر تایید این شیوه برای تادیب مجرمان صحه می گذارند برخی هم معتقدند که زندان نه تنها باعث تادیب و کاهش جرم نمی شود بلکه باعث می شود که افراد زندانی در کنش متقابل با سایر زندانیان به روش های جدید ارتکاب جرم دست پیدا کنند و همینطور اینکه فضای زندان بر ارتکاب مجدد جرم به هنگام آزادی تاثیر زیادی دارد.

بخش اول: بیان مسأله

موضوع تحقیق بررسی تطبیقی احکام زندان و زندانی در حقوق و مذاهب اسلامی می باشد. در این پژوهش وضعیت زندان و زندانی در مذاهب پنجگانه اسلام (امامیه، مالکیه، شافعیه، حنفیه و زیدیه) و همینطور حقوق ایران مورد بررسی قرار گرفته است. جایگاه زندان و زندانی در این مکتب انسان ساز، با توجه به شأن و کرامت و حفظ حقوق انسانها بسیار ارزشمند و مفید بوده و نقش زندان را در زندگی اجتماعی افراد زندانی، نقشی مؤثر و سازنده بیان می کند.



بخش دوم: هدف های تحقیق

تبیین جایگاه زندان و زندانیان در حقوق و مذاهب اسلامی، بررسی و تبیین نقش زندان بر افراد زندانی و زندگی اجتماعی و خانوادگی آنها، بررسی سیر تاریخی پدیده زندان و زندانی در اسلام و حقوق ایران، شناخته شدن محیط زندان و عملکرد آن برای افراد مجرم و جامعه، اینکه معیار جامعه برای زندانی کردن افراد مجرم چیست و در نهایت هدف از وجود زندان و زندانی چیست و با زندانی کردن افراد چه نتیجه ای عاید فرد و جامعه خواهد گردید.

بخش سوم: سوالات تحقیق

- ۱) زندان در حقوق و مذاهب اسلامی چه جایگاهی دارد؟
- ۲) نقش زندان در زندگی اجتماعی افراد مجرم یا افرادی که به دلایل مختلف جرمی را مرتکب شده اند و زندان محل مجازات آنها شده است، چگونه است؟
- ۳) وضعیت زندان ها و حقوق زندانیان با توجه به احکام مذاهب اسلامی در تاریخ اسلام چه تغییراتی را پذیرفته است؟

بخش چهارم: فرضیه های تحقیق

- ۱) زندان در گذشته بیشتر به خاطر تحدید و شکنجه افراد به کار رفته است و اکنون جنبه اصلاحی و تربیتی دارد.
- ۲) زندان از دیدگاه مذاهب پنجگانه اسلامی و حقوق مشروع می باشد.



۳) مذاهب مختلف اسلامی دارای وجوه اشتراک زیادی در احکام و حقوق زندان و زندانی هستند.

۴) بین احکام زندان و زندانی در حقوق موضوعه ایران و مذاهب اسلامی مطابقت وجود دارد.

بخش پنجم: روش تحقیق

این پژوهش به روش کتابخانه ای است که در واقع به شیوه اسنادی-تاریخی به تحلیل مسأله می پردازد. در این روش ابتدا منابع مکتوب موجود در حوزه پژوهش گردآوری شده و در نهایت با تقسیم بندی مباحث مختلف و دیدگاه مذاهب اسلامی بر حسب سؤالات و فرضیه های تحقیق در حوزه زندان و زندانی به تبیینی دقیق از مسأله دست می یابد. با توجه به اینکه گردآوری اطلاعات در این پژوهش بر اساس تحقیق کتابخانه بوده لذا در صدد می باشیم که آنچه که از طریق مطالعه کتاب ها در این زمینه بدست آمده با آنچه در محیط زندان و تأثیری آن بر روی افراد زندانی مطابقت دارد یا نه.

بخش ششم: تعریف مفاهیم

جرم: جرم و جریمه از جرم به فتح جیم و سکون راء گرفته شده که به معنی قطع کردن است؛ به قول راغب اصفهانی اصل معنای جرم عبارت از: کندن و قطع میوه از درخت می باشد (سپهری، ۱۳۷۳، ۲۶-۲۵). جرم و جریمه در لغت به ارتکاب کارهای زشت و ناپسند و مخالف حق و عدل اطلاق می شود (فیض، ۱۳۶۹، ۶۸-۶۷). جرم و مشتقات آن بیش از شصت بار در قرآن آمده است (عبدالباقی، بی تا، ۱۶۷-۱۶۶) جرم در اصطلاح: عبارت از امور ممنوع شرعی که خداوند متعال به وسیله اجرای مجازات حد یا تعزیر مردمان را از ارتکاب آن



بازداشته است (عوده، ۱۴۰۲ه ق، ج ۱، ۶۶). جرم در شریعت اسلامی عبارتست از: هرگونه عصیان نسبت به اوامر و نواهی خداوند. اما جنایت آن جرمی است که شارع مقدس بر آن کیفر دنیوی قرار داده است اگر چه بر دایره ای تنگتر از آن مثل جراحت و قتل اطلاق می شود (التسخیری، بی تا، ۹)

مجرم: کسی است که با انجام عمل خلاف شرع و قانون مرتکب جرم شده است. مجرم نه تنها در حین تحمل کیفر بایستی اصلاح و تربیت شود بلکه در هنگام خروج از زندان و پس از کسب آزادی باید مورد راهنمایی و حمایت قرار گیرد تا مجدداً مرتکب جرم نگردد.

سجن در لغت: صحاح اللغة «السجن: الحبس و السجن بالفتح: المصدر و قد سجنه يسجنه ای حبسه» (الجوهري، ۱۴۰۷ه، ج ۵، ۲۱۳۳). المفردات فی غریب القرآن «الحبس: الحبس فی السجن. وقرئ (رب السجن احب الی) بفتح السین وکسرهما. قال: ليسجنه حتی حین و دخل معه السجن فتيان ...» (راغب اصفهانی، ۲۲۵).

سجن در قرآن: «رب السجن احب الی مما يدعوننی الیه» ای خدا رنج زندان خوش تر از این کار زشتی است که زنان بر من روا دارند (یوسف/۳۳). «لا جعلنک من المسجونین» باز فرعون به حضرت موسی (ع) گفت اگر غیر من خدایی را پرستی، البته تو را به زندان خواهم کشید (شعرا / ۲۹).

سجن در حدیث: هر یک از لفظ های سجن و حبس در موارد فراوان بر زبان پیامبر اکرم (ص) جاری شده است: ۱) هنگامی که عموی پیامبر (ص) ابوطالب پرسید آیا می دانی این قوم به چه منظوری برای تو تشکیل جلسه می دهند؟ فرمود: «یریدون أن یسجنونی او یقتلونی او



یخرجونی» یعنی می خواهند مرا زندانی کنند یا بکشند یا بیرونم کنند (رضا، بی تا، ج ۶، ۳۶۱)
(۲) در حدیث ابوسعید آمده که آن حضرت (ص) فرمودند: یؤتی بکتابه فیوضع فی سجن (نامه عملش را به او می دهند و در سجن قرار می گیرد) سجن صیغه مبالغه از کلمه سجن است (ابن اثیر، بی تا، ۳۴۴). (۳) همانطور که نقل کرده اند: ما شیء احق بطول سجن من لسان (یعنی چیزی سزاوارتر برای زندانی کردن از زبان وجود ندارد) (ابن منظور، ۲۰۳).

حبس در لغت: القاموس المحيط «الحبس: المنع کالمحبس کمقعد. حبسه یحبسه....» (فیروز آبادی، وفات ۸۱۷ه، ج ۲، ۲۱۳). در فرهنگ معین حبس به معنی زندانی کردن و بازداشتن آمده است. در جای دیگر حبس چنین تعریف شده است: «سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین و یا نامحدود به طوریکه در آن، حالت ترخیص وجود نداشته باشد و اگر حالت انتظار وجود داشته باشد آنرا توقیف گویند نه حبس» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ۲۰۸).

حبس در قرآن: «تحسبونهما من بعد الصلاه فیقسمان بالله اربتم» شاهدان را نگه دارید اگر از آنها (دو شاهد) بدگمانید تا بعد از نماز آنها را سوگند دهند که مابه حق شهادت می دهیم» (مائده / ۱۰۶). «و لئن اخرنا عنهم العذاب الی امه معدوده ليقولن ما یحبسه: اگر ما عذاب را از آن منکران معاد تا وقت معین به تعویق اندازیم، آنها به جای آنکه توبه از گناه کنند تمسخر و استهزاء کرده و گویند چه موجب تأخیر عذاب شده (هود/ ۸). دو واژه سجن و حبس دارای یک معنای کلی هستند و آن همان ممانعت از دخل و تصرف آزاد و جلوگیری از انجام عمل آزادانه است. سجن به معنای زندانی کردن و حبس به معنای منع، بازداشت، سلب آزادی و محدود و محصور کردن است (قندرو بیجارپس، ۱۳۸۶، ۵۶).



بخش هفتم: تاریخچه زندان در اسلام

روایات فراوانی به طرق گوناگون از پیشوایان معصومین (ع) رسیده است که مجازات زندان را برای به کیفر رساندن بزهکار تجویز کرده اند؛ صاحب «دراسات فی ولایه الفقیه» روایات دال بر مشروعیت زندان از طریق شیعه و سنی را اجمالاً مستفیض بلکه متواتر می داند (المنتظری، ۱۴۰۸ه، ج ۲، ۴۳۱-۴۳۰).

(۱) عن ابی عبدالله فی حدیث فی السرقة قال «تقطع الید و الرجل ثم لاتقطع بعد، لکن أن عاد حبس و أنفق علیه من بیت المال المسلمین» (طوسی، استبصار، ج ۴، ۲۸۱).

(۲) عن زراه عن ابی جعفر (ع) «فی رجل امر رجلاً بقتل رجل (فقتله) فقال «یقتل به الذی قتله و یحبس الامر بقتله فی الحبس حتی یموت» (همان منبع، فروع کافی، ج ۷، ۲۷۰).

(۳) عن علی بن الحسین (ع) فی الرجل یقع علی اخته. قال «یضرب ضربه بالسیف بلغت منه ما بلغت فان عاش خلد فی السجن حتی یموت (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ۳۸۷).

(۴) عن علی (ع) قال « اذا قطع الطريق للصوص و اشهر و السلاح و لم یأخذوا مالا و لم یقتلوا مسلماً ثم أخذوا حبسوا حتی یموتوا و ذلک نفیهم من الارض» (بقال، ۳۲۳).

بخش هشتم: تاریخچه زندان در ایران

مجازاتها در ایران باستان بسیار شدید و توأم با قساوت و شقاوت بود حبس کردن نیز در کنار مجازاتهایی مانند اعدام، زنجیر کردن و تازیانه زدن اجرا می شد؛ حبس جزء مجازاتها نبود، بلکه وسیله ای برای از میان بردن بی سروصدای اشخاص بلند مرتبه بود که وجودشان برای



پادشاه و کشور خطر داشت. در دوره های باستان در ایران توقیف مقدماتی ممکن بود تا مدت غیر محدودی دوام پیدا کند. «قلعه فراموشی» که نوعی «قلعه باستیل» بود مخصوص نابود کردن بی سر و صدای مجرمان سیاسی بود (راوندی، ۱۳۶۸، ۱۹). مجازات حبس در دوره قاجار بسیار دردناک بود، زندان در ایران مانند سایر کشورها وسیله ای برای سلب آزادی است ولی ممکن است عواقب سختی هم داشته باشد. اگر زندانی نتواند هزینه زندگی خود را بدهد باید از گرسنگی بمیرد. در نقاطی که زندان وجود ندارد برای توقیف مجرمین معمولاً از کند و زنجیر استفاده می کنند، به هر ساق پای محکوم دو قطعه بزرگ چوب از یک سو به زنجیر آهنی و از سوی دیگر به قفل محکمی متصل می کردند می بندند (قندرو بیجارپس، ۱۳۸۶، ۹۲). در زمان پهلوی روش اداره زندان ها و برخورد با زندانی غیر قانونی و مخالف با شریعت اسلام بود؛ گناهکار و بی گناه محبوس در زندان زیر کتک و شکنجه قرار می گرفتند، خصوصاً زندانهای سیاسی طاغوت زمان محمد رضا شاه صحنه وحشیانه ترین رفتارهای ضد انسانی رژیم پهلوی بود، در زندانهای این زمان اموری از قبیل: بازداشت زاید بر مدت، زدن فحاشی و شکنجه های دیگر، جلوگیری یا سخت گیری در کیفیت ملاقات زندانیان با خانواده هایشان، دادن اطلاعات غلط به ملاقات کنندگان در خصوص وضعیت زندانی مثل تیرباران شدن زندانی، وجود جو خفقان و اختناق در زندانهای طاغوت، بازجویی مکرر از زندانیان و تفتیش وسایل شخصی آنها، ممانعت از بازدید سازمانهای بین المللی از زندانها و زندانیان (همان منبع، ۹۶)



بخش نهم: جایگاه بحث طبقه بندی زندانیان در اسلام

در علم اصول فقه آمده که آنچه مقدمه برای انجام کار حرامی می شود، حرام است (مظفر، ۱۳۸۶، ۲۶۱). یعنی آنچه باعث می شود زمینه ارتکاب گناه و جرم و مفاسدی را ایجاد کند ممنوع است. «مقدمه الحرام ان کانت سبباً له فهو حرام و معصیه کما ثبت فی الاصول و ان کانت شرطاً و قصد من فعله التواصل الی المحرم فالظاهر کون هذا الفعل معصیه و حراماً» (هر عملی که وسیله ای برای حرامی قلمداد شود، اگر سببی برای انجام آن باشد حرام است و اگر شرطی برای انجام آن حرام باشد در صورتی حرام است که با انجام دادن آن رسیدن به عمل حرام مورد نظر بوده است) (نراقی، ۲۵). بنابراین می توان گفت که طبقه بندی در واقع نوعی اقدام جهت پیشگیری از وقوع جرائم داخلی زندان یا پیشگیری از مفاسدی است که ممکن است به زندانیان سرایت نماید. از جمله این نوع طبقه بندی بر اساس اصل مسلم فقهی صورت می گیرد جداسازی و طبقه بندی جنسیتی است؛ به طوری که زندانیان زن از مردان جدا و زندانیان نوجوان، جوان و بزرگسال به تفکیک نگهداری می شوند. همچنین زندانیان بازداشتی از زندانیان محکوم به دلیل بدآموزی تجربی جرائم و..... جداگانه نگهداری می شوند. طبقه بندی شخصیتی زندانیان به دلیل اصلاح و تربیت علمی آنان امری ضروری است (شمس، ۱۳۸۲، ۵۷-۵۶).

بخش دهم: انواع طبقه بندی خاص در راستای موضوع مطروحه در حقوق

ایران

طبقه بندی جنسی: اولین نوع طبقه بندی که به ذهن می آید و مورد توجه مسئولین زندان قرار می گیرد طبقه بندی جنسی و جدا کردن محل نگهداری زنان از مردان است.



زندانیان در این بخش به دو شکل نگهداری می شوند :

طبقه بندی جنسی مشترک: در این نوع طبقه بندی زنان و مردان به صورت مشترک و باهم در یک محل نگهداری می شوند؛ مشکلات بهداشتی، اخلاقی و و بیماری های مقاربتی در این نوع طبقه بندی زیاد است.

طبقه بندی جنسی غیر مشترک: در این نوع طبقه بندی زندانی مرد از زندانی زن جداست. در این نوع بهداشت روانی و سایر معضلات ناشی از نگهداری مشترک جنسی بیشتر خواهد بود. هدف در این طبقه بندی امنیت زندانیان بواسطه شرایط خاصی که دارا می باشند خواهد بود. زندانیان زن در جمع زنان و هم جنسان خود آزادتر، راحت تر خواهند بود ضمن اینکه در اکثر مذاهب الهی تأکید بر اینگونه طبقه بندی شده و حریم هایی برای زنان و دختران قائل هستند و در جامعه آزاد نیز آنان را مقید به بعضی باید و نباید ها کرده است (شمس، ۱۳۸۲، ۶۱)

طبقه بندی سنی: در این نوع از طبقه بندی مجرمین بر اساس میزان سن به صورت اطفال زیر ۱۸ سال، نوجوانان ۱۸ تا ۲۲ سال، جوانان تا ۲۵ سال، و بزرگسالان از ۲۵ سال به بالا تقسیم می شوند که با توجه به وضعیت جسمانی و روانی پیران، می باید افراد دارای ۵۵ سال به بالا نیز به تفکیک نگهداری و طبقه بندی شوند (شمس، ۱۳۷۵، ۹۳). طفل جز برای تأدیب زندانی نمی شود چرا که هنوز مکلف نیست (سرخسی، ۶۱). در بعضی زندانها مشخص شده است که اطفال کمتر از ده سال تا پیرمردان و پیرزنان بالای ۸۰ سال وارد زندان شده اند.

طبقه بندی سنی اطفال: اگرچه بعضاً اطفال شامل کسانی می دانند که در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می شوند، اما اطفال در این بخش دارای تقسیمات گوناگونی است که عبارتست



از: اطفال ۸ تا ۱۰ سال، اطفال ۱۰ تا ۱۲، اطفال ۱۲ تا ۱۴، اطفال ۱۴ تا ۱۶ و اطفال ۱۶ تا ۱۸ سال. هر کدام از سنین فوق دارای شرایط ویژه جسمی و روانی می باشند که می باید به صورت علمی بر اساس اصول ارکان نهاد اصلاح و تربیت جداگانه نگهداری شوند (همان منبع، ۶۴). هر کودکی که از او سلب آزادی شده باشد باید از بزرگسالان جدا شوند، مگر آنکه عدم جداسازی به نفع کودک تشخیص داده شود. نمونه ای از این دست که به وضوح قابل قبول به نظر می رسد، بازداشت اطفال همراه والدین خود در شرایطی است که هر دو به دلیل تخلفاتی چون مهاجرت غیر قانونی در زندان به سر می برند (عباچی، ۱۳۸۰، ۱۵۳).

طبقه بندی سنی نوجوانان: سنین در این بخش بین ۱۸ تا ۲۵ سال می باشد. گاهی اوقات و شکل و شمایل یک فرد نوجوان ۱۸ تا ۲۰ سال همانند یک طفل ۱۷ ساله داده می شود، که در این صورت برای اینکه مورد سوء استفاده قرار نگیرد در کانون های اصلاح و تربیت نگهداری می شوند. زندانیان نوجوان در زندان و در اندرزگاه خاص نوجوانان نگهداری می شوند. این نوع زندانیان نیز دارای نیازهای خاص و شرایط ویژه ای می باشند که مسئولین می توانند به تناسب شرایط سنی و شرایط خاص نگهداری و اصلاح و تربیت آنان برنامه ریزی کنند.

طبقه بندی سنی جوانان: سنین مورد نظر در خصوص این زندانیان دارای سنین ۲۵ تا ۳۵ سال است. نیازهای واقعی این بخش از زندانیان که به صورت جداگانه در اندرزگاه خاصی نگهداری می شوند، اشتغال است و در کنار آن سوادآموزی. بیشترین آمار زندانیان در ایران شامل این سنین است و بیشترین برنامه نیز باید در خصوص این افراد تهیه شود.



طبقه بندی سنی بین جوانی و میان سالی: در بین زندانیان سنین بین ۳۵ تا ۴۰ ساله شرایط خاصی دارند. اینان کسانی هستند که از یک طرف تمایل به جوانی دارند و از طرف دیگر در شرف انتقال به میان سالی هستند.

طبقه بندی سنی میانسالان: زندانیان دارای ۴۰ تا ۶۰ ساله مشمول این نوع طبقه بندی سنی هستند.

طبقه بندی سنی بزرگسالان: زندانیان دارای سنین بالای ۶۰ سال مشمول این طبقه بندی سنی می باشند. لازم است که یادآور شویم طبق قانون، نگهداری این نوع افراد ممنوع می باشد. فقط در شرایط بسیار نادر و خاص این اجازه داده شده است، نگهداری این سنین شرایط ویژه و خاص رامی طلبد و رفتار با این افراد باید همانند اطفال باشد (شمس، ۱۳۸۲، ۶۶).

طبقه بندی بر اساس نوع جرم: در این طبقه بندی مجرمین بر اساس جرم ارتكابی طبقه بندی می کنند. از محاسن این نوع طبقه بندی مصونیت زندانیان از بدآموزیهای زندانیان دارای جرائم متفاوت است، برای مثال در صورت عدم رعایت طبقه بندی ممکن است مجرمین سارق در بین زندانیان مواد مخدر و معتاد به اعتیاد نیز گرایش پیدا نمایند و پس از آزادی به مواد مخدر آلوده شده باشند. از معایب طبقه بندی بر اساس جرم، تخصیصی شدن مجرمین در آن جرم می باشد به طوری که با تجمع زندانیان دارای یک جرم در یک محل شگردهای مختلف آن نوع جرم از راه تجربه به سایر مجرمین منتقل می شود، لذا مجرم در جرم ارتكابی خود تخصیصی تر خواهد شد. این نوع طبقه بندی با هدف عدم انتقال تجارب زندانیان حرفه ای با سایر زندانیان است (همان منبع، ۶۶).



طبقه بندی بر اساس شخصیت: این نوع طبقه بندی بر اساس نوع و تیپ شخصیت روانی زندانیان صورت می گیرد (همان منبع، ۶۷). در این نوع طبقه بندی، به وسیله تیپ های مختلف شخصیتی و مصاحبه، انواع تیپ های شخصیتی را جدا ساخته و به صورت مجزا نگهداری می کنند و متخصصین و مراقبین با توجه به نوع شخصیت زندانی، وی را در محل نگهداری می کنند ارتباط خاصی با وی خواهند داشت (شمس، ۱۳۷۵، ۹۵).

طبقه بندی بر اساس نوع قرار یا حکم: در این نوع طبقه بندی زندانیان بازداشتی و متهمین در بازداشتگاه و محکومین در زندان می باشند، در این نوع طبقه بندی تأکید می شود حتماً زندانی که حکم او صادر نشده است تا صدور حکم قطعی باید در بازداشتگاه نگهداری شود (شمس، ۱۳۸۲، ۶۷).

طبقه بندی بر اساس نوع زندان: در این نوع طبقه بندی زندانیان در زندانهای (باز، نیمه باز، بسته) طبقه بندی خواهد شد. در این بخش از زندان مسئولین قضایی تلاش می کنند بیشترین آمار زندانیان موجود خود را در زندانهای باز و بخش دیگر را در زندان نیمه باز نگهدارند و در زندان بسته تعداد اندکی از زندانیان نگهداری شود. معمولاً در کشور ما و در بعضی کشورهای دیگر با ترتیب ابتدا زندانی را در زندان بسته و سپس به نیمه باز و بعد در زندان باز قرار می دهند.

طبقه بندی بر اساس میزان محکومیت: این نوع طبقه بندی بر اساس میزان محکومیت زندانی صورت خواهد گرفت و محکومین دارای محکومیت های سنگین از محکومین سبک جدا نگهداری می شوند. این نوع طبقه بندی در کشورهای مختلف تحت عنوان طبقه بندی بر اساس جرائم امنیتی و غیر امنیتی نیز مطرح است (همان منبع، ۶۹).



طبقه بندی بر اساس تعداد سابقه: در این نوع طبقه بندی زندانیان بر اساس تعداد سابقه نگهداری خواهند شد و زندانیان سابقه دار از زندانیان بدون سابقه و یا کم سابقه جداگانه نگهداری می کنند. با توجه به اینکه زندانیان سابقه دار به ارتکاب جرم عادت دارند، اصلاح و تربیت آنان با مشکلات عدیده ای مواجه می شود. لذا ضروری است که زندانیان سابقه دار از سایر زندانیان جدا شوند (همان منبع، ۶۹).

طبقه بندی به صورت ترکیبی: در این نوع طبقه بندی می توان همه موارد فوق را مد نظر قرار داد یعنی علاوه بر تفکیک جنس و سن که الزامی خواهد بود؛ پس از شناسایی شخصیت تفکیک جرم را نیز می توان اعمال کرد. این نوع طبقه بندی بسیار ایده آل است و در صورت داشتن امکانات بهترین روش نگهداری و طبقه بندی مجرمین خواهد بود (شمس، ۱۳۷۵، ۹۵).

بخش یازدهم: اصول حاکم بر مجازات های اسلامی

(۱) مجازات باید قانونی و مشروع باشد؛ بدین معنی که باید به یکی از منابع فقه اسلامی (کتاب، سنت، عقل و اجماع) مستند باشد. (۲) مجازات باید طوری اجرا شود که بازدارنده مجرم را از ارتکاب مجدد جرم؛ و مایه عبرت دیگران باشد؛ آنگونه که هرگز دست به کارهای مجرمانه نزنند و به سراغ بزهکاری نروند. (۳) مجازاتها باید با جرایم متناسب بوده؛ و با آن هماهنگی کافی داشته باشند، بویژه در مورد تعزیرات که در نظام حقوقی کیفری اسلام، نامعین گذاشته شده است. (۴) مجازات فردی باشد؛ بدین معنی که تنها گریبانگیر مجرم باشد و به دیگر افراد خانواده و خویشاوندان وی سرایت نکند. (۵) مجازاتها عمومی و همگانی باشند؛ بدین معنی که اصل مساوات و عدالت باید در اجرای مجازاتها رعایت شود. (۶) عطف به ما سبق نشدن قوانین جزایی؛ بدین معنی که تا عملی طبق قانون، جرم شناخته نشود قابل مجازات نیست. لذا هیچ فعل



یا قول و ترک قول به استناد قانونی که پس از آن وضع می شود، جرم محسوب نمی گردد) سپهری، ۱۳۷۳، ۶۴-۶۲).

بخش دوازدهم: جایگاه زندان در کیفرهای اسلامی

در نظام حقوقی کیفری اسلام دو نوع کیفر در نظر گرفته شده است: (دنیوی و اخروی) (۱) کیفر دنیوی: مجازات کسانی است که مرتکب جرایمی شده اند که قابل مشاهده، ثبت و ضبط بوده، مستلزم صدمه به دیگران و اجتماع است و اثبات آن در محاکم شرعی با معیارهای عادی امکان پذیر است مثل دزدی و زنا. (۲) کیفر اخروی: مجازات کسانی است که مرتکب گناهی شده اند که صدمه آن به خود شخص مجرم رسیده است، و یا مرتکب جرایمی شده اند که اثبات آن در دنیا، با معیارهای عادی امکان پذیر نیست (سپهری، ۵۱، ۱۳۷۳-۵۰). خداوند برای هدایت و راهنمایی انسانها و سعادت و نجات آنها در دنیا و آخرت پیامبرانی از جنس خود آنها را برانگیخت تا انسانها را از منحرف شدن در جاده مستقیم و راه راست حفظ کرده و به سرمنزل مقصود برساند. پیامبر اکرم (ص) در این زمینه فرمودند «بعثت لا تمم مکارم الاخلاق» من برای کامل کردن فضایل و مکارم اخلاق مبعوث شده ام (شیخ عباس قمی، ۱۳۵۹ ه ق، ۱۴۹). در روایت آمده است: قال علی (ع) «و یجب عن الامام ان یحبس الفساق من العلما و الجهال من الاطباء و المفاليس من الاکسر ساء» (حر عاملی، ۱۴۰۳ ه . ق، ۲۲۸)

بند اول: جایگاه زندان در حقوق

موضع شریعت در کیفر زندان غیر از موضع قوانین موضوعه بشری است، زیرا عقوبت زندان در قوانین موضوعه، یک کیفر اساسی تلقی شده است که تمامی جرائم کوچک و بزرگ، انگیزه آن قرار می گیرند، اما در شریعت اسلام کیفر زندان یک عقوبت ثانوی است که تنها مجازات



جرمهای کوچک و کم اهمیت قرار می گیرد. و در آن مورد هم قاضی اختیار دارد که کیفر را به جابیاورد و یا ترک کند (وائلی، ۱۳۶۲، ۳۱۵). زندان و اصول زندانبانی واسطه ای بین فرد بزهکار و جامعه ای است که بزهکار از درون آن جامعه برخاسته و پس از مدت زمانی باید بازگشت موفقیت آمیز به درون همان جامعه داشته باشد، پس نه تنها باید نیازهای فردی، اجتماعی، انسانی و خانوادگی افراد بزهکار در درون زندانها و سایر مراکز تأمینی و تربیتی مرتفع شود؛ بلکه پراهمیت و بالاترین آن وظیفه خطیر و حیاتی چنین سیستمی تأثیر گذاشتن مثبت اخلاقی، معنوی، فرهنگی و نیز تأثیرات علمی و فنی، حرفه ای و تکنیکی پیشرفته بر روی شخصیت انسانهای بزهکار و نابهنجار اجتماع است (شمس، ۱۳۷۵، ۳۴).

بند دوم: اهداف مجازات زندان در حقوق ایران

در عصر حاضر علمای حقوق جزا معتقدند که مجازات حبس و زندان، صرف نظر از نقش پیشگیری آن یعنی منصرف ساختن بزهکار از گرایش دوباره به ارتکاب جرم یا منصرف ساختن سایر شهروندان (تحقق پیشگیری عام)، باید عامل اصلی اصلاح و تربیت دوباره محکومان باشد (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۳، ۲۶-۲۴).

۱) دوباره متهمان: هنگامی که فردی مظنون به ارتکاب جرمی است مقام قضایی می تواند در صورت لزوم، علیه او قرار بازداشتی صادر کند و تا رسیدگی در دادگاه، او را در زندان نگاه دارد. هدف این اقدام شدید که ناقض اصل برائت است آن است که « تا هنگامی که حکم علیه شخصی صادر نشده، از فرار یا مخفی شدن متهم، امحای آثار و دلایل جرم، تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطالعان واقعه جلوگیری شود». ۲) دوباره ی محکومان: اهداف



مجازات سالب آزادی، به طور کلی عبارتند از: وظایف اخلاقی، طرد اجتماعی بزهکار، عبرت آموزی و بازدارندگی و ایجاد سازگاری اجتماعی.

بخش سیزدهم: تأثیر محیط زندان بر زندانی

در اسلام اساساً زندان به عنوان یک مجازات رایج و دایم نیست، مواردی که مجازات زندان مقرر شده، خیلی محدود است. زندان، مجازات زندانی تنها نیست، فشار زندانی کردن یک فرد به تمام بستگان او هم می رسد و آنان نیز در این مجازات سهیم می شوند بی آنکه گناهی کرده باشند. ممکن است ظلم و فشاری که بر آنان وارد می شود بیش از فشاری باشد که بر شخص زندانی وارد می شود. (شاهرودی، ۱۳۸۴، ۴۹). مهمتر این که چون غالب زندانیان جوان هستند معمولاً به سرعت دعوت های فریبنده منحرفان را اجابت می کنند، بد آموزی ها و مضرات زندان نسل آینده را در معرض فساد و انحراف قرار می دهد و انحراف آنان پس از آزادی شان بر کل جامعه تأثیر می گذارد. زندان تأثیری منفی بر خانواده زندانیان است؛ با اینکه شخص مجرم به عنوان اینکه جرمی را مرتکب شده است مستحق مجازات است ولی در مجازات زندان علاوه بر فرد، خانواده مجرم که هیچ نقشی در ارتکاب جرم نداشته اند نیز با واسطه مجازات می شوند. تحقیقات نشان می دهد نگرانی از وضعیت خانواده و فشار ناشی از تحمل کیفر و نگاه خاص به آینده نامعلوم پس از زندان خود باعث تشدید حالات روانی نامطلوب و آشفتگی ذهنی زندانی می شود. (دهقانی به نقل از سایت اینترنتی، ۸۶/۱/۱۳، ۷).

بخش چهاردهم: عوامل ایجاد تکرار جرم در زندان یا همان اثر منفی زندان

در این زمینه دو عامل را می توان از عوامل مهم ارتکاب تکراری جرم دانست: یکی وجود زمینه های ذهنی و روانی مناسب در فرد که موجب تکرار ارتکاب جرم می شود از قبیل پولدار



شدن و زود به همه چیز رسیدن، انتقام گرفتن از جامعه به خاطر مشکلاتی که به او تحمیل شده، عدم تعادل روحی و روانی، فقر فرهنگی، داشتن روحیه پر خاشگری و ... و دوم واکنشهای اجتماعی (یا زمینه های عینی) که فرد را به سوی ارتکاب جرم سوق می دهد مانند آنکه زندانی را پس از آزادی از زندان جامعه نمی پذیرد و زندانی آزاد شده مورد بی مهری اجتماع خود قرار می گیرد. مثلاً به دلیل داشتن سوء پیشینه از اشتغال آنها در بسیاری از مشاغل خودداری می شود و یا از هم گسیختگی خانوادگی از دیگر عوامل واکنشهای اجتماعی می باشد. علاوه بر این زندان موجب هدر رفتن اوقات خانواده و بستگان زندانیان نیز می شود زیرا آنان باید زمان زیادی را به طور متناوب برای ملاقات با زندانیان خود و فراهم کردن مقدمات آن صرف کنند، در حالی که این اوقات می تواند به نفع آنان و بر صلاح جامعه و در جهت پیشبرد آن صرف شود. از سوی دیگر زندانی، روح ضدیت با دولت و جامعه را در خانواده و بستگان و آشنایان خود می پروراند، زیرا افکار و توهمات، افسردگی ها و غم های خود را در ملاقات ها و حتی پس از آزادی از زندان به آنان منتقل می کند. در درون زندان هم برای خود زندانیان مشکلات و درگیری های فراوانی بروز می کند، چون آنان به دلیل یأس از زندگی و تأثیر پذیری از فضای بسته زندان به منازعات و مشاجرات روی می آورند و این خود سبب فساد اخلاق و کشانده شدن به خشونت و سخت گیری می گردد. مهم تر اینکه چون غالب زندانیان جوان هستند معمولاً به سرعت نصیحت های فریبنده منحرفان را اجابت می کنند، بدآموزی ها و مضرات زندان نسل آینده را در معرض فساد و انحراف قرار می دهد و انحراف آنان پس از آزادی شان بر کل جامعه تأثیر می گذارد (وائلی، ۱۳۶۲، ۴۹-۴۸)



بخش پانزدهم: آسیب پذیری حبس

مجازات حبس برای زندانی تبعات احتمالی زیر را خواهد داشت: الف) تأثیر پذیری ناشی از عوامل درونی زندان که عبارتست از: تأثیر پذیری از شیوه های مختلف اعمال مدیریت، تأثیر پذیری حاصل از روابط متقابل میان زندانی با زندانیان دیگر، تأثیر پذیری ناشی از امکانات و خدمات زندان. ب) تبعات ناشی از کلیات زندان که در خارج از زندان روی می دهد عبارتست از: احتمال طرد اجتماعی، احتمال از هم گسیختگی خانواده، احتمال معاشرت با دوستان زندانی و سوق یافتن به انجام اعمال خلاف، احتمال از دست دادن سرمایه و امکانات (محسنی، ۱۳۶۷، ۶). اما شاید مهمترین اثر و نتیجه ی نظام حبس بنیاد و گسترش آن در فراسوی زندانی کردن قانونی آن باشد که این نظام موفق شد قدرت تنبیه را طبیعی و مشروع کند و دست کم آستانه آسان گیری و تسامح را در کیفر مندی پایین آورد. زندان ضرر و زیان های فراوانی برای فرد، خانواده و جامعه دارد که شامل زیانهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی و غیر آن است.

بخش شانزدهم: کارکردها و پیامدهای زندان

بند اول: کارکردهای زندان

۱) **کارکرد حبس:** نخستین کارکرد حبس عبارت است از تعیین مرزهای میان محدودیت و آزادی و استقلالی که یک فرد در جامعه حق ابراز آن را دارد. این حد فاصل، پیام اجتماعی مهم را در بر دارد و نفوذ و تسلط دولت بر فرد و مرزهای قدرت دولت را نشان می دهد. دولت در برابر حبس افراد مسئولیت دارد. به همین دلیل است که فرار کردن یک زندانی شدید ترین اشتباه شغلی است که می تواند از کارکنان زندان سرزند. مهم آن است که این کارکرد حبس



از زمان بوجود آمدن زندان تا کنون تغییر چندانی نکرده، مگر از زمانی که تجهیزات امنیتی بسیار پیشرفته بوجود آمده اند (ماتیوس، ۱۳۸۱، ۷۲).

(۲) کارکرد اصلاحی: بیشتر جوامع حبس را وسیله ای برای بازپروری مجرمان و در نهایت بازگرداندن آنها به زندگی عادی می دانند. این کارکرد اصلاحی به طور مستقیم از حبس نتیجه می شود. زیرا اگر شخص زندانی به زندان بیفتد، دیر یا زود باید آزاد شود. قوانین زندان در هر کشور و پیمان نامه هایی نظیر معاهده ی اروپایی منع شکنجه، در مورد چگونگی رسیدن به این هدف اصلاحی، راهبردهایی ارائه می دهند. با این همه؛ کارکرد اصلاحی نیز مسایل و مشکلات ویژه ی خود را داراست.

(۳) کارکرد کنترل کننده: به محض اینکه تعدادی از افراد در یک مکان واحد جمع می شوند و بویژه هنگامی که این افراد زندانی باشند، باید سازمان دهی شوند. این سازمان دهی شامل برقراری یک رابطه نظارتی میان کارکنان زندان و زندانیان است که بی گمان الزامی است، با آنکه برای اجرا مؤثر این وظایف ضروری روزمره، باید بین آنها یک رابطه متقابل وجود داشته باشد که در نتیجه، این رابطه ی اساساً اجباری به واسطه ی مجموعه ای از روش های درمانی و اداری که باعث برخی سازگاری ها در زندان می شود بوجود می آید. ولی با این همه، همیشه میان اجبار و درمان تعادلی ناپایدار وجود دارد.

(۴) کارکرد حفاظتی: محدود سازی جمعیت های زندان در زندان مستلزم ارائه ی خدمات مختلف نظیر جا، غذا، امکانات مربوط به شست و شو، رخت شویی و تأمین منابع است. افزون بر آن، زندان به تدرج در پی آن است که خدمات رفاهی و فعالیت های اوقات فراغت نیز ارائه دهد (گودرزی بروجردی، ۲۹، ۱۳۸۳-۲۷).



بند دوم: پیامدهای مثبت زندان

(۱) حبس رایج ترین و پذیرفته شده ترین مجازات در دنیای کنونی است. به طوریکه صد و یازده کشور جهان به جای مجازات اعدام از حبس ابد استفاده می کنند. (۲) زندان عاملی برای امنیت جامعه از تعدی انسان های شرور است، یعنی زندان با نگهداری و حبس انسان های شرور موجب آرامش میان انسان و اجتماع عادی شهروندی شد که امنیت نسبتاً غیرقابل نفوذی را ایجاد می کند. (۳) درحالی که حبس ابهت و بازدارندگی خود را برای تعداد زیادی از مجرمین از دست داده است. اما هنوز برای بازدارندگی بدنه ی سالم اجتماع که از ارتکاب بسیاری از جرایم به خاطر ترس از زندانی شدن و محرومیت از آزادی، امتناع می ورزند وسیله ای مؤثر کار و کارآمد است. ۴- زندان تنها راه تأمین یا مجازات در برخی جرایم بزرگ است برای مثال در ارتکاب قتل عمد پیش از رضایت اولیای دم نمی توان از وثیقه ضامن یا کفیل استفاده کرد، بلکه ماهیت پیشگیرانه از فرار متهم این شکل از حبس را گریزناپذیر می نمایند یا در مواردی که جرم بزرگی اتفاق افتاده و فقط زندان جوابگوی مجازات آن جرم است. مثل حبس شخصی در قتل آمریت دارد. هرچند مواردی از حبس وجود دارد که به علت وجود مصالح تشریعی جز به وسیله احکام حکومتی آن هم در مواردی خاص نمی توان در آن تغییری به وجود آورد و این احکام جزء احکام ثابت و لایتغیر هستند مثل حبس هایی که به عنوان حد معرفی می شوند که نمونه آن حبس سارق پس از دو بار اجرای حد قطع است (ناسخیان، ماهنامه، ۱۳۸۷، ۲۹).



بند سوم: پیامدهای منفی زندان

۱) زندان عاملی است برای تجری مجرمان؛ زندان برای بسیاری از مجرمین نقطه آغازین این اعتراف آنهاست نه پایان مجرمیت، چرا که اگر زندان می توانست باعث ندامت مجرم از بزهکاری شود اغلب مجرمین نباید بیش از یک بار زندان می رفتند. ۲) زندان عاملی برای تبدیل مجرمین عادی به افراد بزهکار است، چرا که زندان جامعهای سازمان یافته است از مجرمین را در کنار هم قرار می دهد تا درد مشترک آن ها خود عاملی برای پیوند و تعامل ایشان با هم و باتدریج عاملی برای ایجاد یک فرهنگ مشترک بزهکاری در میان مجرمین شود. ۳) زندان عامل طرد از اجتماع است زندانی تا زمانی که در زندان در آرزوی آزادی روزگار می گذراند به فرض این که زندان به رسالت خود یعنی تغییر افراد درست عمل کرده و فرد زندانی در بدو آزادی به جستجوی زندگی شرافتمند افرادی که شایسته اوست بر می آید. ۴) زندان موجب اختلال در وضعیت معیشتی خانواده زندانی می شود، زندان با حذف اکرار مجرم در واقع از بازدهی اقتصادی او نیز جلوگیری می کند این خود در مرحله اول ایجاد اختلال در وضعیت معیشتی و درآمد خانواده تحت پوشش زندانی و در مراحل بعدی باعث از هم پاشیدگی خانواده اومی شود. همان حکمی که رئیس خانواده را به زندانی می اندازد هرروز مادر را به فقر و تنگدستی، کودکان را به بی کسی و بی سرپرستی و کل خانوار را به آوارگی و تکدی می کشاند و چنین است و زندان اینست که فرد بواسطه ماندن در زندان و جدایی نسبی از زندگی جمعی دچار نوعی حالات روانی نامطلوب می شود. ۵) زندان موجب پیدایش آثار روانی منفی بر روی زندانی می شود. یکی دیگر از مضرات زندان این است که فرد بواسطه ماندن در زندان و جدایی نسبی از زندان جمعی دچار نوعی حالات روانی نامطلوب می شود.



بخش هیفدهم: محاسن حبس

(۱) ترس انسان از سلب آزادی، گرفتار زندان شدن، از خویشان و بستگان و دوستان خود دور ماندن و تعطیل کسب و کار سبب می شود که انسان را از ارتکاب جرم بپرهیزد پس وضع قانون مجازات حبس برای جرائم خاص و برای مدت معین در پیشگیری از وقوع جرم مؤثر است. مدت بازداشت به شرطی که محیط زندان را انسانی و اسلامی اداره کنند سبب اصلاح مجرم و تنبیه و آگاهی او خواهد شد و دیگر مرتکب جرم نخواهد گشت. (۲) مجازات حبس عقوبتی است که بعد از ارتکاب جرم بلافاصله به گونه دفعه واحده انجام می گیرد بلکه برای مدت زیادی طول می کشد به همین علت آثار این مجازات در ایجاد اطمینان خاطر برای جامعه و از بین بردن ترس و واهمه ی آن جرم از نظر افراد اجتماع محو و نابود می شود تا جائیکه جامعه احساس می کند که اینگونه مجازاتها برای حمایت افراد در مقابل افراد خطاکاران کافی نیست.

(۲) بازداشت و سلب آزادی انسان و نگهداری او در زندان به عنوان مجازات ضمن اینکه محاسنی دارد دارای معایب و مفاصد نیز هست که به آنها اشاره می کنیم: زندانهای انفرادی طبع اجتماعی را از محکوم می گیرد؛ و فشارهای روانی بر او وارد می سازد و در طرف مقابل زندان های دسته جمعی علی رغم طبقه بندی های مختلف، مدرسه آموزش بزهکاری بوده و موجب اعمال تکرار جرم است. از طرفی اصلاحات انجام شده در رژیم زندان ها جنبه اربعی آن را کم رنگ نموده است و انگ و برچسب زندانی بودن، امید بازگشت به زندانی شرافتمندانه را برا زندانی از بین می برد. از این رو، برخی از مجرمان زندگی در زندانها را بر زندگی رنج آور و پرزحمت و تحقیر آمیز خارج از آن ترجیح می دهند به این ترتیب مهمترین نقص مجازات



سالب آزادی (زندان) افزایش خطر جبران جرم است که برخی آن را حدود ۵۰٪ دانسته اند (ژرژ، ۱۳۷۰، ۱۷۰)

بخش هیجدهم: مصادیق حقوق زندانی

بند اول: آزادی انجام معامله

زندانی برای انجام همه انواع معاملات، از قبیل خرید و فروش، رهن، اجاره، مضاربه، مزارعه، مساقات، حواله و حتی کفالت در صورت امکان آن، چه در داخل زندان و چه خارج از آن یا از طریق وکیل یا نظایر آن، از آزادی برخوردار است (حسینی شیرازی، ۱۳۸۴، ۵۵).

بند دوم: آزادی نکاح یا طلاق

زندانی می تواند به عقد نکاح یا اقسام مختلف طلاق، برای خود یا دیگری که وکیل یا ول اوست، چه نسبت به زندانیان و چه افراد خارج از زندان مبادرت ورزد. همچنین می تواند شاهد طلاق یا نکاح باشد و نیز می تواند مسئولیت وصی، موصی، متولی وقف و نظایر آن را برعهده بگیرد.

بند سوم: آزادی شهادت

زندانی می تواند شاهد واقع شود و ادای شهادت کند، چه برای کسی که در زندان است و چه برای کسی که در خارج از زندان است، زیرا شاهد واقع شدن و یا ادای شهادت پس از احراز درستی آن امکان پذیر است. البته ما در فقه نسبت به شاهد طلاق شدن در غیر مجلس طلاق، در صورتی که گواهان خارج از محل وقوع طلاق باشند و به واسطه خطوط متعدد (کنفرانسی) تلفن یا نظیر آن ارتباط برقرار کنند، اشکال کردیم.



بند چهارم: حق ملاقات با خانواده

باید به زندانی اجازه دیدار خانواده اش در هر وقتی که می خواهند، داده شود، حتی اگر زندانی زن باشد به شوهرش اجازه ملاقات با او داده شود، همچنین باید به زندانی اجازه داده شود که خانواده اش همراه او بمانند. روایت شده است که امیر مؤمنان (ع) چنین اجازه ای را به خانواده زندانی می داد. در کتاب جعفریات با اسناد خودش تا جعفر بن محمد (ع) که از پدرش و او از جدش و وی از امیر مؤمنان (ع) روایت کرده است که فرمود: زنی نزد حضرت علی (ع) آمد و از شوهرش شکایت کرد که او عمداً و برای اذیت من، نفقه مرا نمی دهد. پس از اثبات ادعای او و انجام مقدمات لازم حضرت دستور به حبس شوهر آن زن دادند، شوهر آن زن گفت: یا علی او را (همسرش را) همراه من حبس کنید. حضرت علی (ع) به آن زن فرمودند تو می توانی چنین کنی، برو همراه او باش و هیچکس مزاحم شما نیست (اشعث کوفی، چاپ سنگی، ۱۰۸).

بند پنجم: تفکیک زندانیان در مورد لازم

جداسازی زندانیان از یکدیگر در صورت خواست آنان، لازم است، همانطور که جداسازی و تفکیک زنان و مردان و کودکان با وجود بیم فتنه یا بروز مشکل ضروری است. همچنین جدا کردن مجرمین خطرناک از سایر زندانیان و بلکه جدا کردن کسی که به سبب جنون و مانند آن موجب اذیت و آزار سایرین می شود، ضرورت دارد. ولی اگر مشکل و مانعی در بین نباشد، زندانی کردن افراد در یک محل مانعی ندارد.



بند ششم: حق برخورداری از بهداشت عمومی و فردی

بر دولت است که شرایط لازم برای حفظ سلامت و بهداشت زندانیان را فراهم سازد، از قبیل وسعت فضا، هوای سالم، نور کافی، وسایل تهویه، وسایل بهداشتی برای قضای حاجت به نحو مطلوب و با حفظ نظافت و پاکیزگی، تأسیس حمام های کافی با مراعات شرایط فصلی در طول سال، تأمین آب گرم و سرد و امکانات دیگر. زندانی هر وقت که احتیاج داشت، باید بتواند از حمام استفاده کند. البته این اماکن باید همواره از سوی دولت نگهداری و نظافت شود. همچنین لازم است آنچه از نظر پزشکی و درمانی برای زندانی لازم است، فراهم گردد و مراجعه زندانی به هر طبیبی که می خواهد حتی در خارج از زندان، ممکن باشد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: پاکیزگی نشانه ایمان است، مطلب فوق حقیقتی است که چندان نیاز به اثبات تجربی خاصی ندارد اما در ارتباط با تحقیق حاضر می توان اینگونه اظهار نظر کرد که ایجاد محیط بهداشتی و پاکیزه و دارای نظم و انضباط برای زندانیان و زمینه ساز رشد صفات نیکو و تبری جستن از مفاسد و آلودگی ها می گردد (عبدی، ۱۳۷۱، ۹۶)

بند هفتم: حق برخورداری از خوراک و پوشاک مناسب

خوراک و پوشاک مناسب حال زندانی و متناسب با فصول مختلف سال باید فراهم شود، و از این جهات زندانی در رفاه و آسایش باشد. البته در این مورد پاره ای محدودیت ها برای برخی زندانیان تجویز شده است. و این از آن رو است که در چنین مواردی امید می رود محدودیت و در مضیقه قرار دادن زندانی به اصلاح شدن زندان در مورد جرمش منجر شود، و اغلب نیز چنین است که اگر آن مضیقه ها به جا و درست اعمال گردد زندانی وقتی آزاد می شود تحول یافته و تغییر رویه داده است. اما دلیل حق برخورداری از خوراک و پوشاک مناسب، که اصل



اولی همین است مگر در موارد استثنا، علاوه بر قواعد عمومی، سیره ای است که از حضرت علی(ع) روایت شده، هنگامی که ابن ملجم ضربتی کشنده بر فرق آن حضرت (ع) وارد آورد، فرمود: این اسیر را حبس کنید و آب و غذا به او بدهید و با وی خوش رفتاری کنید. پس اگر من زنده ماندم خود در مورد او تصمیم می گیرم، یا قصاص کنم و یا می بخشم، و یا با او مصالحه کنم و اگر از دنیا رftم با شما است که در مورد او تصمیم بگیرید، اما اگر خواستید او را بکشید حق ندارید او را مثله کنید (حمیری، ۶۷)

بند هشتم: حق برخورداری از آسایش روحی

هر گاه زندانی ناراحت روحی - روانی داشته باشد؛ باید به او اجازه داده شود تا به روانپزشک مراجعه کند و چنانچه خود متوجه این مشکل نیست اداره زندان برای او روانپزشک بیاورد و در صورت نیاز برای مداوا، به بیمارستان انتقال داده شود. علاوه براین باید در زندان آنچه موجب نشاط و آسایش روح و روان زندانی می شود فراهم گردد و عواملی که سبب آزرده گی و افسردگی او می گردد برطرف شود.

بند نهم: حقوق زنان در زندان

در زندانهای زنان باید به منظور رعایت حال آنان فضایی متناسب با روح لطیفشان در نظر گرفته شود، زیرا به طوریکه در حدیث شریف آمده است: «زن همچون گل ظریف است» (کلینی، ۵۱۰). هنگامی که زن زایمان داشته باشد و در زندان ممکن نباشد یا آنکه نخواهد در زندان وضع حمل کند، باید به زایشگاه منتقل شود ... و باید پیش از زایمان، تا به پایان رسیدن دوره نقاهت مراقبت های لازم از او به عمل آید. به مادران نیز اجازه ارتباط با کودکانشان داده شود و مکان های مخصوصی برای نگهداری از طفلی که همراه مادر است فراهم گردد، از این



جهت نیز زن حق دارد از همان آزادی که در خارج از زندان نسبت به فرزندش داشته، برخوردار باشد.

بند دهم: بازرسی وضع زندانیان

برای حصول اطمینان از رعایت قوانین مربوط به حقوق زندانیان در همه زمینه های یاد شده باید بازرسانی باشند که همواره وضع زندانیان را تحت نظارت و کنترل داشته باشند. البته بازرس نباید از همان گروه اداره کننده زندان باشد؛ چون در این صورت امکان تبانی آنها علیه زندانیان وجود دارد. پس بازرس باید از جای دیگر یا حزب مخالف دولت باشد. هر گاه بازرس نقص و ایرادی را مشاهده کند و بداند که اداره زندان به رفع آن نقص و مشکل اهتمام نمی ورزد موضوع را به مقامات عالی برای اصلاح آن نواقص ارجاع دهد.

بند یازدهم: منع تأدیب و تنبیه زندانیان

اداره زندان حق ندارد به تأدیب یا تنبیه زندانیان بپردازد، بلکه در صورت سوء رفتار آنان باید به پلیس مراجعه شود. زندانی باید به دور از نیروهای پلیس به سر ببرد و باید او را انسانی آزاد تلقی کرد؛ گو اینکه در زندان نیست و درون زندان نیز همانگونه با او رفتار شود که در خارج زندان می شود. همچنین اداره زندان حق ندارد صلاحیت تأدیب برخی زندانیان را به بعضی دیگر از آنها بدهد. البته تدریس اخلاق توسط بعضی زندانیان برای بعضی دیگر و یا تدریس علوم دینی و دنیوی، یا تشکیل و اداره حلقه های مباحث سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیر آن از سوی برخی زندانیان برای سایرین مانعی ندارد.



بند دوازدهم: رسیدگی به جرائمی که در داخل زندان صورت می گیرد

هر گاه زندانی مرتکب عمل خلاف قانون شود تعقیب و مجازات او توسط پلیس و دادگاه همانند حالتی که در خارج از زندان عمل می شود، انجام خواهد گرفت، پس مجازات جرایمی که زندانیان در درون زندان مرتکب می شوند همان است که در مورد سایر مردم اعمال می گردد، و قوانین نسبت به زندانی و غیر زندانی یکسان است.

بند سیزدهم: منع مطلق شکنجه

یکی از احکام مهمی که بر اصل آزادی انسان مترتب می شود، منع مطلق شکنجه و آزار است، بنابراین هرگونه شکنجه و اذیت و آزار با هر رنگ و توجیهی که باشد، به طور قطع ممنوع و حرام است. اعمال مجازاتهای غیر انسانی و خشن نسبت به زندانیان مطلقاً ممنوع و حرام است، هر چند به بهانه تأدیب و تنبیه باشد. نباید زندانی را در سلول انفرادی یا در مکان تاریک یا مرطوب قرار داد و یا او را به دیوار بست و یا شکنجه های دیگری در حق او اعمال کرد. همچنین به کار گرفتن وسایل اکراه در گرفتن اعتراف، از قبیل غل و زنجیر، وزنه های سنگین و غیر آن، مطلقاً ممنوع است.

بند چهاردهم: حق جدا سازی زنان از مردان در زندان

برخی عقیده دارند واجب است در زندان، زنان از مردان جدا شوند؛ در حالی که دلیل خاصی در این مورد نداریم. آری از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که زنان اسیر را زندانی می کرد و در برخی از نصوص آمده که زنان را در چهار دیواری کنار مسجد، زندانی می کرد. می شود برای این موضوع به این ادله استیناس کرد: یکی روایاتی که دلالت می کند خلوت با اجنبیه



حرام است و دیگر روایاتی که دلالت می کند نماز در مکانی که شخص ثالثی نمی تواند وارد شود برای مرد و زن بیگانه، اشکال دارد که بعضی استفاده حرمت نماز و بعضی استفاده بطلان نماز از آن کرده اند. سوم روایاتی که در کتب اهل سنت است و از رفتن زن به حج نهی می کند، مگر اینکه همراه او محرمی باشد. از این رو، برخی فتوا به وجوب جدایی زن از مرد و بعضی فتوا به استحباب آن داده اند، چنانکه از سرخسی در مبسوط و از ابن عابدین در رد المحتار فهمیده می شود (طبسی، ۱۳۸۲، ۵۴۸).

بند پانزدهم: آرای فقیهان شیعه و سنی

(۱) سرخسی: سزاوار است زندان زنان بدهکار جدا باشد و مرد در میان آنان نباشد که منجر به فتنه شود (۹۰). (۲) ابن عابدین: برای زنان به جهت دفع فتنه زندان جداگانه ای قرار داده می شود (۳۲۸-۳۴۷). (۳) سیوطی: اولین کسی که زنان را به همراه مردان در یک بند قرار داد.... ضحاک بن قیس بود (۱۲۵). از چیزهایی که لزوم جدا سازی زندان زنان را تأیید می کند فتوای فقیهان به کراهت اختلاط زنان و مردان است چنان که سید یزدی فتوا می دهد (یزدی، ۶۲۷، مسأله ۴۹ نکاح) و بعضی از معاصران (همان منبع، ج ۱، ۱۱۵ «نکاح») برای کراهت استدلال کرده اند به روایت معتبر غیاث بن ابراهیم از امام صادق (علیه السلام) از امیر المؤمنین (علیه السلام) که فرمود: ای اهل عراق! به من رسیده که زنان شما در راه تنشان به مردان می خورد آیا حیا نمی کنید! همچنین روایت مرسل کلینی و خبر محمد بن شریح و روایت موثق یونس بن یعقوب چنین مفادی دارند (حر عاملی، وفات ۱۱۰۴ه، ج ۱۴، ۱۷۴، باب ۱۳۲، «مقدمات نکاح»). از مجموع این روایات و فتاوی استفاده می شود که مذاق شرع به اختلاط زن و مرد و



خلوت با زن اجنبی راضی نیست، حتی اگر در حال عبادت باشند، تا چه رسد به این که از خانواده و از همسر دور باشند.

جداسازی نوجوانان از سالمندان و مسلمانان از غیر مسلمانان: سزاوار و بلکه لازم است جداسازی نوجوانان از سالمندان و جداسازی مسلمانان از کافران و ذمیان و جداسازی زندانیان بدهکار از زندانیان قاتل، سارق و زناکار و جداسازی کسی که برای ایلاء یاظهار زندانی شده از زندانی محارب؛ همه اینها به جهت دفع مفاسد است. از روایاتی که لزوم جداسازی کافران از مسلمانان، بلکه مؤمنان از دیگران را تأیید می کند، سخن امام صادق (علیه السلام) است در مورد کسی که موی سر زنی را از بین برده می فرماید: «و در زندان مسلمان زندانی می شود و در نقلی دیگر: زندان مؤمنان» (طبسی، ۱۳۸۲، ۵۵۱).

بند شانزدهم: ملاقات با زندانی

حق ملاقات برای زندانی محفوظ است و حاکم نمی تواند بدون عذر مانع از ملاقات با زندانی شود مگر اینکه چیزی به او یاد دهند که به ضرر جامعه اسلامی باشد و بر این اساس؛ در صورتیکه حاکم اسلامی تشخیص دهد برقراری ارتباط زندانی با بیرون بر خلاف مصالح نظام اسلامی و بر علیه امنیت جامعه است می تواند از برقراری چنین ارتباطی ممانعت کند. با صلاحدید رؤسای زندان اجازه ملاقات بیشتری دهند. «امام خمینی (ره)». آنگاه که زندانی وارد زندان می گردد دوری و جدایی از خانواده، سبب ناراحتی و تأملات روحی مجرم گشته و او را آزرده خاطر و اندوهناک می سازد و اگر این محرومیت همیشگی باشد و زندانی ممنوع الملاقات گردد، زندانی امیدش از آینده قطع می شود و نیز خود یک فرد بی کس به حساب می آورد و از نظر روحی ضربه های مهمی می خورد، لذا برای رفع نگرانی و اضطراب درونی



و التیام و آلام و ناراحتی‌ها و تقویت روحیه اش باید حداقل در هفته یکبار زندانی اجازه ملاقات با کسان درجه یک خود را داشته باشد و در ایام عید و روزهای ولادت ائمه (ع) اجازه داده شود که اقوام و کسان درجه دو زندانی نیز با او ملاقات نمایند. بنابراین ما ممنوع الملاقات نداریم مگر در مواردی که بازپرس مربوطه یا دادیار تحقیق و یا دادستان جهت تخلیه اطلاعات، متهم را موقتاً ممنوع الملاقات نماید.

بند هفدهم: مرخصی رفتن زندانیان

بعضی حق مرخصی را از جمله حقوق زندانیان شمرده اند: «روی عبدالله بن سنان، عن ابي عبدالله عليه السلام انه قال: على الإمام أن يخرج المحبسین فی الدین يوم الجمعة إلى الجمعة و يوم العید فی رسل معهم، فإذا قضاوا الصلاه و العبد، ردهم إلى السجن (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۰) عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که فرمود: بر امام است که زندانیان بدهکار را روز جمعه، به مراسم جمعه و روز عید به مراسم عید بفرستد و کسی را با ایشان می فرستد و وقتی مراسم نماز و عید برگزار شد آنان را به زندان باز می گردانند. برای گرم ماندن روابط و علائق خانوادگی و آماده کردن زندانی برای بازگشت به زندگی عادی اجتماعی و تقویت روحیه و تشویق آنان، بایستی در رخدادها و حوادث غیر منتظره ای که برای زندانی و یا بستگان درجه یک او اتفاق می افتد، به او اجازه داده شود که مدت یکی دو روز و یا حداقل چند ساعت به مرخصی برود. مواردی که شایسته است با مرخصی رفتن زندانی موافقت گردد عبارتند از: مرگ بستگان اعم از نسبی و سببی، بیماری های مهم بستگان درجه یک، مراسم ازدواج فرزندان و در صورتی که زندانی معیل باشد برای ارضای غریزه جنسی خود و همسرش. مرخصی رفتن زندانی بایستی با اجازه دادستان یا دادیار ناظر بر زندان باشد و



در صورت لزوم تحت الحفظ مأمورین مراقب، که با لباس شخصی زندانی را همراهی می کنند انجام شود.

نتیجه گیری

استقرار نظم و امنیت و اصلاح وضع نابسامان جامعه و برقراری عدالت اجتماعی ایجاب می نماید که نیکوکاران به کردار نیک خویش، تشویق شوند و متخلفین از قانون تنبیه و به جزای اعمال خود برسند. زندان به عنوان یکی از طرق عقوبت انسانهایی که مرتکب بزه و اعمال مضر می شوند از قدیم الایام در دنیای معمولی بوده است و به تدریج اثر نفوذ افکار افراد مصلح، خصوصاً تعلیمات پیامبران الهی توجه به کرامت ذاتی انسان و در نتیجه تربیت و باز پروری محکومین مورد اهمیت قرار گرفت، و در شریعت مقدس اسلام برای جلوگیری از وقوع تکرار جرم یا جرائم و مهار کردن مجرمین و افراد خطرناک کیفر زندان پیش بینی و مقرر شده به همین علت موضوع و حقوق زندانیان مورد توجه فقهای دین قرار گرفته است. هر چند زندان را محلی دانسته اند که متهمان یا محکومان کیفری با قرار و حکم کتبی مقامات صلاحیتدار قانونی موقتاً یا برای مدت معین یا بطور دائم در آنجا نگهداری می شوند، از بررسی متون اسلامی بدست می آید که زندان در شریعت اسلام عبارتست از تعویق شخصی یا جلوگیری از تصرفات آزادانه وی که می بایست از هرگونه شکنجه و آزار به دور باشد خواه در خانه باشد یا در مسجد. آنکه جامعه به منظور تنبیه و مجازات افرادی که مرتکب جرمی شده اند، از حربه زندان استفاده می کند و در واقع جامعه به خاطر عملی که شخص مجرم انجام داده از او انتقام می گیرد تا فرد خطاکار تاوان اعمال خود را پس داده باشد و با این عمل در واقع جامعه درصدد انتقام از شخص مجرم برآمده تا خود را تسکین دهد



مناب و مآخذ

القرآن الکریم و بعد

الف) منابع فارسی

- ۱) آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، ۱۳۶۸، جلد سوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲) آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازاتهای بینابین، ۱۳۸۲، چاپ اول، تهران، نشر گرایش.
- ۳) باهری، محمد، حقوق جزای عمومی، پلی کپی دانشگاه تهران، ۱۳۴۷-۱۳۴۶
- ۴) بولک، برنارد، کیفر شناسی، ۱۳۷۲، ترجمه دکتر حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، انتشارات مجد.
- ۵) جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ۱۳۷۴، چاپ هفتم، انتشارات گنج دانش.
- ۶) دانش، تاج زمان، حقوق زندانیان و علم زندانیان، شهریور ۱۳۷۲، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷) راوندی، مرتضی، سیر قانون و دادگستری در ایران، ۱۳۶۸، نشر چشمه.
- ۸) سپهری، محمد، زندان از دیدگاه اسلام، ۱۳۷۳، سازمان تبلیغات اسلامی.



- ۹) شاسیانی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، ۱۳۷۳، جلد دوم، تهران، انتشارات ویستار.
- ۱۰) شمس، علی، حقوق زندانیان در مقررات داخلی و بین المللی، ۱۳۸۲، چاپ دوم، انتشارات راه تربیت
- ۱۱) صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ۱۳۷۱، جلد اول، انتشارات گنج دانش.
- ۱۲) صلاحی، جاوید، کیفر شناسی، ۱۳۵۲، چاپ نخست، انتشارات آرش، چاپخانه حیدری.

ب) منابع عربی

- ۱) ابن ابی شیبه، المصنف (وفات ۲۳۵ هـ)، هند، دارالسلفیه.
- ۲) ابن حزم (وفات ۴۵۵ هـ) محلی، جلد اول، بیروت، بی تا.
- ۳) احمد بن حسین بن علی (وفات ۴۵۸ هـ)، سنن الکبری، بیروت، دارالمعرفه.
- ۴) بخاری، محمد بن اسماعیل، (وفات ۲۵۶ هـ)، صحیح بخاری قاهره، مطبوعات صبیح.
- ۵) بقال، جمع عبدالعزیز بن اسحاق، (وفات ۳۰۳ هـ)، مسند زید بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۶) قفی، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد، (وفات ۲۸۳ هـ)، الغارات تهران، انجمن آثار علمی.
- ۷) الحکیم، اصول العامه للفقہ المقارن، ۱۹۷۹ ق، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل بیت (ع).
- ۸) خطیب، داود بن یوسف، (وفات ۹۷۰ هـ)، فتاوی الغیاثه کویت، المكتبه الاسلامیه.



- ۹) خوانساری، سید احمد، (وفات ۱۴۰۵ ه)، جامع المدار کتهران، نشر مکتبه الصدوق.
- ۱۰) خوئی، سید ابو القاسم، (وفات ۱۳۷۱ ش)، معجم رجال الحديث بیروت، دارالزهراء.
- ۱۱) الرازی، الامام فخر، تفسیر الکبیر، ۱۳۵۷، چاپ دوم، تهران، دارالکتب العلمیه.
- ۱۲) رضا، محمد رشید، تفسیر المنار، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- ۱۳) زمخشری، جار الله محمود عمر، الکشاف، ۱۴۰۷ ق، دار الکتاب العربی، بیروت.
- ۱۴) سبزواری، سید عبد الاعلی، مهذب الاحکام، نجف، مطبعه الآداب.
- ۱۵) سید رضی، (وفات ۴۰۶ ه)، نهج البلاغه مؤسسه اعلمی، بیروت.
- ۱۶) صنعانی، عبدالرزاق، (وفات ۲۱۱ ه)، مصنف عبدالرزاق بیروت، الکتبه الاسلامیه
- ۱۷) طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- ۱۸) معتزلی، (وفات ۶۵۶ ه)، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، جلد ۴، قم.